

سردبیر مجله عصر اندیشه: برخی ظاهر انقلابی دارند، شعار انقلابی هم می دهند، وجهه مردمی شان نیز انقلابی است، اما مغز و فرهنگشان متناسب با اقتضات فرهنگ سرمایه داری عمل می کند. همینجاست که پای سرمایه داری ریش دار به میان می آید که از مرموزترین صور لیبرالیسم و پیچیده ترین مظاهر نفاق است

چرا نخبگان سکوت کرده اند؟



سردبیر مجله عصر اندیشه گفت: باید از نخبگان خود پرسیم که چرا در برابر مسایل اصلی انقلاب سکوت کرده اند؟ با چه مجوز و مصلحتی، دغدغه های مردم را نادیده می گیریم و صرفاً دعوای سیاسی می کنیم؟

به گزارش اسپاداناخبر به نقل از مهر؛ پیام فضلی نژاد، سردبیر مجله عصر اندیشه در جمع نمایندگان تشکلهای دانشجویی دانشگاه های تهران گفت: اشتیاقم این است که دوباره به حوزه تالیف و پژوهش برگردم، چون روزنامه نگاری ایرانی به دلایل گوناگونی که برخی از آنها را خواهم گفت، شدیداً بیمار است. وانگهی، در نقد تفکر سرمایه داری که مانند موریانه جامعه مان را خورده است، دچار فقر منابع نظری و مبادی استدلالی هستیم و باید انرژی علمی خود را معطوف به تولید در این حوزه کنیم. کتاب «تاریخ سرمایه داری معاصر» را ۳ سال است که در دست تالیف دارم و امیدوارم سال ۱۳۹۶ منتشر شود. به گمانم اگر ذات سرمایه داری را نشاناسیم، نمیتوانیم بسیاری از تحولات سیاسی معاصر را تحلیل و تبیین کنیم و بهترین کسی که این ذات شناسی را برای ما به میراث گذاشت، امام خمینی است.

فضلی نژاد افزود: فرهنگ سرمایه داری با مظاهر گوناگون ظاهر می شود و لیبرالیسم یک صورت ندارد، بلکه واجد صور پیچیده ای است که متأسفانه امروزه حتی در طیفی از نیروهای انقلابی نیز رسوخ کرده است. به قول استاد رحیم پور، برخی ظاهر انقلابی دارند، شعار انقلابی هم می دهند، وجهه مردمی شان نیز انقلابی است، اما مغز و فرهنگشان متناسب با اقتضات فرهنگ سرمایه داری عمل می کند. همینجاست که پای سرمایه داری ریش دار به میان می آید که از مرموزترین صور لیبرالیسم و پیچیده ترین مظاهر نفاق است. از همین جهت نیز مبارزه با آن بسیار دشوار و قطعاً پرهزینه است.

سردبیر مجله عصر اندیشه ادامه داد: در دوره ۳۰ ماهه سردبیری عصر اندیشه با مسائلی روبرو شدم که بخشی از آنها علیرغم ۲۰ سال کار روزنامه نگاری و پژوهشی برایم غیرقابل تصور بود. من از سال ۸۴ تا ۹۲ اکثر اوقاتم به کار پژوهشی گذشت و کمتر با بدنه ژورنالیستی کشور به عنوان یک روزنامه نگار تماس داشتم، اما وقتی دوباره پس از ۸ سال به این حوزه بازگشتم و سردبیری عصر اندیشه را پذیرفتم، علیرغم برخی تبلیغات کاذب متوجه شدم با گسست های عظیمی روبرو شده ایم. امیدوارم این سیکل معیوب که عده ای گمان میکنند صرفاً با راه اندازی هنرکده و آموزشگاه می توانند روزنامه نگار طراز انقلاب تربیت کنند، پایان یابد. اینها مدعیان بی هنری به جامعه رسانه ای کشور تحویل داده اند که گاهی باید از صفر آموزش ببینند. حتی برخی مدیران این کلاسها خودشان نیاز به آموزش های مقدماتی دارند. متأسفانه در یک داورى منصفانه باید گفت روزنامه نگاری انقلاب، پس رفت کرده است.

وی گفت: ما باید کارگاه های عملی آموزش روزنامه نگاری را در رسانه های مکتوب ایجاد می کردیم که متأسفانه انجام نشد و

نخواهد شد، چون یک میل و نگاه افراطی به رسانه های دیجیتال وجود دارد که کاملاً تجربه روزنامه نگاری را در سطح نگه می دارد. در این پروسه باید تجدیدنظر جدی شود و امیدوارم متولیان امور روزی که به این فکر می افتند، زیاد دیر نباشد.

نویسنده کتاب «ارتش سری روشنفکران» افزود: دانشجویان و پژوهشگران باید در ضمن آسیب شناسی عملکرد نهادها و جریان های انقلابی، برای خود برنامه کار ویژه ای داشته باشند که از دل آن، تولید و خروجی عینی مشخصی برای مخاطبان تشنه بیرون بیاید. ما در تولیدات ایجابی راه طولانی ای را در پیش داریم و باید از عملکردهای غلط گذشته درس بگیریم.

وی ادامه داد: برای من عجیب است که چرا در زمینه فساد هیچ صدایی از جامعه علوم انسانی ایران بلند نشد. گویی ما باید «محکمه متفکران» را تشکیل دهیم و از نخبگان خود بپرسیم که چرا در برابر مسایل اصلی انقلاب سکوت کرده اند؟ با چه مجوز و مصلحتی، دغدغه های مردم را نادیده می گیریم و صرفاً دعوای سیاسی می کنیم؟ بی عملی ما کار را به جایی رسانده که رسانه های لیبرال رسماً عدالت را مسخره میکنند، اما کسی نیست که با آنان جدل علمی موثری کند. از ۱۰-۱۵ نویسنده و متفکر که به تنهایی کاری بر نمی آید؛ باید جریان سازی کرد، البته اگر موانع موجود، بگذارد. در جایی نوشتیم این دوره ای تاریخی در حیات ملت ایران است که نه تنها نخبگان به احمق ها باختند، بلکه خود نیز احمق شدند. در عصر 'حماقت متفکران' صدای مردم کجاست؟ آیا به توده ها امیدی هست یا آنان نیز چون نخبگان، ذهن و زندگی را می بازند؟